

وجه تمایز با تربیت و رویکردهای آن دو

تقی کثیری نژاد
کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

چکیده

یکی از موضوعات مورد اختلاف در عرصه علوم تربیتی، فقدان تعریف جامع و مانع از کلمات تعلیم و تربیت و یا آموزش و پرورش است. تا کنون صاحب نظران تعلیم و تربیت تعاریف گوناگونی از مفهوم تعلیم و تربیت ارائه داده‌اند؛ اما هریک بر اساس برداشت‌های ذهنی و تجارب عملی خود به تعریف و تشریح آن پرداخته‌اند. به طور کلی سه رویکرد مهم را می‌توان برای تعلیم و تربیت دسته بندی کرد: عده‌ای تعلیم و تربیت را موازی یکدیگر معرفی می‌کنند و برای هریک ساز و کار مستقلی قائل می‌باشند. برخی دیگر، تعلیم و تربیت را در طول یکدیگر می‌دانند؛ که این دسته به دو گروه تقسیم می‌شوند: عده‌ای آموزش را مقدم بر پرورش و برخی دیگر هم پرورش را مقدم بر آموزش می‌دانند. در مقابل این رویکرد، نگرش دیگری هم مطرح است که بین تعلیم و تربیت یک وحدت اصولی و اساسی در کلیه عرصه‌های ساختاری و محتوایی قایل است. به بیان دیگر نگرش این دسته از افراد، رویکرد تلفیقی و یکپارچه به موضوع تعلیم و تربیت است. ما در این مقاله می‌کوشیم تا به تعریف لغوی و اصطلاحی تعلیم و تربیت، تبیین مبانی نظری، آشنایی با اندیشه‌های صاحب نظران در عرصه تعلیم و تربیت و شناخت نقاط ضعف و قوت هریک پردازیم.

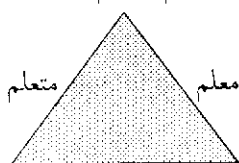
واژگان کلیدی: تعلیم، تربیت، رویکردهای تعلیمی و تربیتی.

مفهوم تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت (Education) از مصادر عربی هستند که در فارسی نام دیگر آن دو، آموزش و پرورش است.

تعلیم: مصدر باب تفعیل از «عَلَّمَ» است؛ در لغت به معنی آگاه کردن، آموختن چیزی به کسی و... می باشد. راغب اصفهانی در «مفردات» آن را «القای مطالب و تکرار و ممارست آن، چنان که متعلم از آن متأثر شود، تعریف کرده است.

اما در اصطلاح تعلیم به امری اطلاق می شود که مربی یا معلم انجام می دهد تا در متعلم یا فراگیر تأثیر گذارد. به عبارت دیگر «تعلیم» فراهم کردن زمینه ها و عوامل دانش برای متعلم و مربی است تا واجد علم و آگاهی شود. از این رو تعلیم یک فرایند دوجانبه است به این معنا که بین معلم و متعلم چنان جریانی پیوسته در حرکت است. مطابق این تعریف، تعلیم را می توان به یک مثلث متساوی الاضلاع تشبیه کرد که سه ضلع آن را معلم، متعلم و عمل آموختن تشکیل می دهد.



عمل آموختن

تربیت: این واژه از ماده «رَبَّی» به معنای پرورش دادن، رشد دادن و... می باشد. این واژه به صراحت در قرآن کریم نیامده؛ ولی به طور ضمنی به آن اشاره شده است؛ مانند این آیه قرآن:

قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (اسرا ۲۴)

در فرهنگ های لغت دو ریشه برای تربیت ذکر کرده اند که معنای آن دو اندکی متفاوت است. یکی از ریشه «رَبَّو» که به معنای رشد و نمو و زیاد شدن است. به همین دلیل عرب ها به تپه و بلندی یک چیز رَبَّو می گویند و دیگری از ریشه «رَبَّی» که به معنی پرورش دادن و تربیت کردن است (المنجد، صص ۱۷۷ - ۱۸۰).

با توجه به این تعاریف کاملاً واضح است که کلمه «رَبَّو» معنای کلی تر از «رَبَّی» دارد؛ به این معنا که تربیت از ریشه «رَبَّی» مخصوص و محدود به تربیت انسان ها است؛ در حالی که تربیت از ماده «رَبَّو» ناظر بر رشد جسمانی هر موجودی در عالم هستی است؛ چنان که

سعدی^۱ در بیت زیر آورده است:

خاک را زنده کند تربیت باد بهار سنگ باشد که دلش زنده نگردد به نسیم
در ادبیات فارسی، واژه تربیت هم در جهت مثبت و هم در جهت منفی به کار رفته است.
رواج این جمله که فلانی خوب، یا فلانی بد تربیت شده است، مؤید این مطلب است؛ چنان که
سعدی می‌گوید:

گر تقویت کنی ز ملک بگذرد بشر و تربیت کنی به ثریا رسد ثری
البته سعدی گاه بانگاه منفی به تربیت اشاره می‌کند:

پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است تربیت ناهل را چون گردگان بر گنبد است^۲
بد هر حال اگرچه به تربیت از دو دیدگاه مثبت و منفی نگریسته می‌شود، کمتر تعریفی را
می‌توان یافت که به آن جنبه مثبت و با ارزش نگاه نشده باشد. بنابراین «تربیت، عملی است
که در آن نوعی کمال خواهی و اصلاح بینش و رفتار، مدنظر می‌باشد.»

تعریف تعلیم و تربیت از دیدگاه صاحب نظران

ماهیت تعلیم و تربیت به گونه‌ای است که زمینه تفسیر پذیری آن را افزایش می‌دهد؛ زیرا
تعلیم و تربیت مربوط به حوزه علوم انسانی است و دانش این شاخه عملی، تا حدود زیادی
به فهم و درک انسان‌ها بستگی دارد. از این رو ارائه تعریف جامع و مانعی از آن دشوار است.
چرا که تفاوت انسان‌ها در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی جغرافیایی
آنان را از داشتن دیدگاه‌های مشترک و تفکر یکسان باز می‌دارد. با وجود این ما به برخی از
تعاریف صاحب نظران ایرانی در این زمینه اشاره می‌کنیم. امید است که در شناخت هرچه
بیشتر آن راه‌گشا باشد و بتوانیم به نکات جامع و قابل قبول‌تر دست یابیم.

مربی باید اخلاق بد را از آدمی بستاند و دراندازد و اخلاق نیکو به جای آن نهد و معنی
تربیت این است. همچون برزگری که غله را تربیت می‌کند و هر گیاهی که از غله برآمده
باشد، از میان آن بکند و همچنین هر سنگ و کلوخی که در میان کشتزار باشد، بیرون اندازد
و از بیرون آب و سهاد بدان آورد تا غله نیکو پرورده گردد (امام محمد غزالی).

به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی که در شیء است (مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸).
ارائه نوعی زندگی که با ساخت شخصیت انسان مطابقت داشته و بر ارزش‌های معنوی
وی مبتنی است (شکوهی، غلامحسین، ۱۳۷۷).

فرایندی است که رفتار فرد را تغییر می‌دهد تا وی بتواند استعدادهایش را آشکار سازد و

به کار اندازد، رغبت‌ها و نیازهای طبیعی و سالم خود را گسترش دهد و ارضا کند و این توانایی را به دست آورد که محیط را به وضع مساعد و مطلوب درآورد (شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۷۵).

تعلیم و تربیت فعل و انفعالی است بین دو قطب سیال (مرئی و مترقی) که مسبوق به اصلی و مستلزم طرح و نقشه و متوجّه هدفی است (هوشیار، محمدباقر، ۱۳۳۱).

تعلیم و تربیت جریانی است که به وسیله آن افراد از روی قصد و اراده رشد افراد دیگر را هدایت می‌کنند (شریعتمداری، علی، ۱۳۷۹).

تعلیم و تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن همه استعدادهای بالقوه انسان (تقی پور ظهیر، علی، ۱۳۷۹).

پرورش عبارت است از فرایندی منظم و مستمر که هدف آن هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری، هنجارهای مورد پذیرش جامعه و همچنین کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان است (سیف، علی اکبر، ۱۳۸۰).

آنچه در این تعاریف به روشنی آشکار است، هدف دار بودن عمل تربیت از جانب مرئی است. یعنی مرئی از روی قصد عملی را انجام می‌دهد، تا مترقی را به کمال مشخص و معینی برساند، این عمل تربیت نام دارد.

مفهوم تزکیه در قرآن کریم

واژه‌ای که در قرآن همراه با تعلیم آمده، «تزکیه» است، تزکیه از ماده زکی - یزکو به معنای افزایش و پاک شدن است و در اصطلاح به معنای تهذیب به کار می‌رود. به عبارت دیگر پیراستن نفس از بدی‌ها و آلودگی‌هاست که این خود باعث رشد و تعالی انسان می‌شود.

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه دوم از سوره جمعه درباره تزکیه می‌فرماید:

التزکیه تفعلیل من الزکاة یعنی التمر الصالح الذی یلازم الخیر والبرکه؛^۲

کلمه تزکیه مصدر «یزکی» از باب تفعلیل است به معنای رشد نمو صالح، یا رشد و نمو که ملازم خیر و برکت باشد.

از این رو مفهوم تزکیه تقریباً با مفهوم تربیت در فارسی مطابقت دارد.

در چهار آیه از قرآن کریم، تعلیم و تزکیه کنار هم آمده است و جالب این که، در سه آیه

تزکیه مقدم بر تعليم ذکر شده^۴ و تنها در يك آيه آن تعليم مقدم بر تزکيه آمده است.^۵ حال اين سؤال مطرح است که منظور از تقدم تزکيه بر تعليم چیست؟ و چرا در سه آيه قرآن تزکيه مقدم بر تعليم آمده است و تنها در يك آيه تعليم مقدم بر تزکيه است؟ برای پاسخ دادن به اين دو سؤال، ابتدا باید به اين موضوع توجه داشته باشيم که تقدم دو نوع است، یکی تقدم زمانی و دیگری تقدم رتبه‌ای. منظور از اين تقدم، تقدم رتبه، مقام و منزلت تزکيه بر تعليم است. تزکيه باید مقدم بر تعليم باشد؛ زیرا تا بستر پذيرش در انسان‌ها فراهم نشود و پاکی لازم برای دریافت پیام الهی فراهم نشود، نمی‌توان پیام‌های آسمانی را ابلاغ کرد. همان‌گونه که یک باغبان قبل از پاشیدن بذر، زمین را با شخم زدن و بالایش خاک آماده می‌کند.

بنابراین در هر نظام آموزشی مریقی یا مدرّس باید قبل از هرگونه تعليم به تزکيه روانی، ذهنی و انگیزشی مخاطب همت گمارد تا او مستعد و مشتاق یادگیری گردد. اين آماده‌سازی به اين معنا نیست که عده‌ای به طور جداگانه کار مربوط به آماده‌سازی و عده‌ای دیگر کار مربوط به تعليم را بر عهده گیرند. یا زمانی را به مواد تزکيه و زمانی را به مواد آموزشی و تعليم اختصاص دهند.

به طور کلی هر «آموزشی» مستلزم آماده‌سازی ذهنی و عاطفی و هر پرورشی همراه با آموزش است.

اما دليل اين که در آيه ۱۲۹ سوره بقره، تقدم تعليم بر تزکيه مورد تأکید قرار گرفته است (... يعلمهم الكتاب والحکمه و يزکيهم...) اين است که اين جمله نقل قول دعای حضرت ابراهيم برای اسماعيل است؛ در حالی که سه مورد دیگر - که تزکيه مقدم بر تعليم آمده است - بيان و قول حق تعالی است.

تفاوت تربیت با اخلاق

برخی بين تربیت و اخلاق تفاوت قائل نیستند و اين دو را یکی می‌پندارند؛ در حالی که بين تربیت و اخلاق تفاوت است. تربیت به معنی پرورش و ساختن است و در مورد همه موجودات می‌تواند کاربرد داشته باشد. به عبارت دیگر قداستی در آن نهفته نیست؛ زیرا علاوه بر انسان در مورد حیوانات هم مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ولی در اخلاق نوعی قداست نهفته است که صرفاً در مورد انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد. به بيان دیگر مختص انسان است و در عرصه حیوانات کاربرد ندارد (مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸).

تفاوت تعلیم و تربیت

اگر بخواهیم تعلیم و تربیت را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار دهیم، هر یک دارای مفاهیم خاص، اهداف مشخص و روش مجزایی است که با تعیین و تشخیص هر یک از ابعاد، مفاهیم آن مشخص می‌شود. تعلیم به معنی آموختن و یاد دادن است که از طرف معلم طرح ریزی و توسط فراگیر آموخته می‌شود؛ ولی تربیت به عمل شدن اطلاق می‌شود که در جهت اهداف مشخص پیگیری می‌شود.

استاد محمدتقی جعفری (ره) در تعریف آموزش و ارتباط آن با پرورش می‌نویسد:

آموزش عبارت است از فراگیری واقعیاتی که بهترین وسیله روشنایی مسیر زندگی است با ابعاد مادی و معنوی؛ اما پرورش، نوعی گردیدن است که به فراگیری نیازمند است ولی عین آن نیست؛ بلکه تحوّل و دگرگونی در «من» با حداقل در عناصر فعال اساسی «من» است.^۶

هدف تعلیم انتقال دانش است که در نهایت به یادگیری منجر می‌شود؛ ولی هدف تربیت، ایجاد رفتارهای مطلوب در رسیدن به کمالات روحی، رفع رذایل و نامطلوب‌های انسانی است. البته همان طوری که در صفحات پیشین مطرح شد، تربیت همیشه جنبه مثبت ندارد؛ بلکه بستگی به نیت کاربر دارد. از حیث روش نیز بین تعلیم و تربیت تفاوت وجود دارد. روش‌های تعلیم، همان روش‌های تدریس فردی و گروهی است که به وسیله معلم برای یادگیری، طرح ریزی و به اجرا در می‌آید. از روش‌های آن می‌توان سخنرانی، کارگاه‌های آموزشی، آزمایشگاهی، ایفای نقش و... را نام برد. ولی تربیت به دو طریق انجام می‌شود: یکی روش «خودسازی»؛ یعنی فرد با انجام اعمال فردی، به کمالات روحی و معنوی نایل می‌آید و دومی «دیگرسازی» است که آن هم از دو طریق قابل دسترسی است: یکی طرق تشویق که موجب ثبات و ایجاد رفتارهای مطلوب در فرد می‌شود؛ مانند اظهار محبت، ستودن، تکریم کردن و ترغیب کردن به انجام اعمال نیکو و دیگری طریقه بازدارنده است که از اقدامات آرام به اقدامات سخت ختم می‌شود. مراتب آن عبارتند از: عفو، تذکر، اخطار، مداومت و طرد کردن. که طرد کردن آخرین روش تنبیهی است و در صورت نیاز و ضرورت انجام می‌شود.

به طور کلی بین تعلیم و تربیت در عرصه مفاهیم، هدف و روش‌ها، تفاوت‌های اساسی وجود دارد که جدول ذیل این تفاوت‌ها را نشان می‌دهد:

به طور کلی تعلیم و تربیت در عرصه مفاهیم، هدف و روش‌ها، تفاوت‌های اساسی وجود دارد که جدول ذیل این تفاوت‌ها را نشان می‌دهد.

ابعاد / موضوع	تعلیم	تربیت
مفاهیم و معانی	<ul style="list-style-type: none"> ● ریشه کلمه آن «عَلِمَ» است و مصدر فعل متعددی است. ● ایجاد عوامل، زمینه‌ها و شرایط مناسب است تا فراگیر واجد دانشی گردد. 	<p>در زبان عربی به معنای پرورش دادن و رشد دادن است و هم در بعد مثبت و هم در بعد منفی کاربرد دارد و خاص انسان نمی‌باشد. بنابراین مطلق پرورش دادن و رشد دادن را شامل می‌شود.</p>
هدف	<ul style="list-style-type: none"> ● آموختن که محصول آن یادگیری است. ● انتقال دانش و اطلاعات به فراگیران. 	<ul style="list-style-type: none"> ● انتقال ارزش‌ها. ● ایجاد رفتارهای مطلوب و رسیدن به هنجارهای مورد انتظار. ● رشد همه جانبه شخصیت فراگیران.
روش‌ها	<ul style="list-style-type: none"> ● روش‌هایی که در آنها انتقال دانش و مهارت مدنظر است؛ مانند روش سخنرانی. ● روش‌هایی که در آنها رشد قوه بیان و تجزیه و تحلیل مورد توجه است؛ مانند روش مباحثه گروهی. ● روش‌هایی که در آنها اکتشاف و مشاهده پدیده‌ها مدنظر است؛ مانند روش آزمایشگاهی. ● روش‌هایی که در آنها رشد استعدادهای فردی مدنظر است؛ مانند روش پروژه‌ای. 	<ul style="list-style-type: none"> ● روش خودسازی مانند توبه و دعا که مؤثرترین روش‌های تربیتی است. ● روش دیگرسازی که به دو دسته تقسیم می‌شود: یکی جنبه تشویقی دارد که موجب ثبات و ایجاد رفتارهای مطلوب می‌گردد و دیگری روش بازدارنده است که باعث حذف رفتارهای نامطلوب می‌شود.

تعلیم یا تربیت؟

کاربرد دو کلمه تعلیم و تربیت معمولاً در نظر عامه چنین تعبیر شده است که آن دو از همدیگر جدا هستند و هر یک به عمل خاصی ارتباط دارد. بدین معنا که آموزش یا تعلیم به یاد دادن موضوعات یا مهارت‌های خاص به فراگیران، مانند آموزش خواندن و نوشتن و... گفته می‌شود و پرورش یا تربیت به آموزش‌های دینی و اخلاقی یا انسانی به فراگیران اطلاق می‌شود. مثلاً به فراگیران یاد می‌دهیم که چگونه به بزرگان احترام بگذارند و به وظایف دینی خود عمل کنند.

حال در این جا با سه پرسش مواجه می‌شویم:

۱. چرا اساساً دو کلمه تعلیم و تربیت را بکار برده‌اند؟

۲. آیا واقعاً بین آن دو جدایی وجود دارد؟

۳. چنین تفکیکی چه زبان‌های عملی به دنبال دارد؟

علت کاربرد متفاوت دو کلمه آموزش و پرورش، این تصوّر تاریخی است که فیلسوفان غرب و شرق در گذشته، چنین می‌پنداشته‌اند که انسان از دو پدیده جدا از هم به نام روح و جسم تشکیل یافته است و این دو گاهی موازی هم فعالیت می‌کنند؛ بدون این که بین آنها ارتباطی باشد. ولی روانشناسان، انسان را یک «سیستم» یا نظام یکپارچه می‌دانند و منظور از «سیستم» یا نظام در انسان، مجموعه متکامل است که کلیه اجزا، عناصر و جنبه‌های تشکیل دهنده آن کاملاً با یکدیگر ارتباط دارند و هدف خاصی را دنبال می‌کنند؛ بنابراین تغییر در یکی از اجزا و جنبه‌ها طبعاً روی سایر اجزا و جوانب ساختار انسان اثر می‌گذارد.

این موضوع از دیدگاه اسلام هم مورد تأیید است. زیرا هرگاه قرآن انسان را مورد خطاب قرار می‌دهد، او را به صورت یک کل یا واحد، در نظر گرفته است. هرچند برای تعبیر این وحدت، کلمات گوناگون از قبیل بنی آدم، انسان، نفس، قلب و... به کار برده است.

از آنچه گفته شد، طبعاً به این نتیجه می‌رسیم که مربی یک کار بیشتر انجام نمی‌دهد و آن کمک به «تغییر رفتار» در مربی است. هرچند این عمل او را می‌توان به «تغییر رفتار یا آموزش» و «تربیت یا پرورش» تعبیر کرد. پس هرگونه رفتار به کل وجود فرد بستگی دارد؛ یعنی هر مربی در کار خود (تربیت) می‌کوشد در شخص (مربی) تغییر ایجاد کند.

زبان‌های نگاه دوگانه به ماهیت انسان در تربیت

اما زبان‌های دوگانه انگاشتن فرد در یک محیط تربیتی؛ یعنی روحانی و جسمانی بودن انسان را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد.

مواد درسی به دو گروه آموزشی و پرورشی تقسیم می‌شوند؛ در نتیجه به تعدد شخصیت فراگیران منجر می‌شود و وحدت شخصیت آنان از بین می‌رود.

به دروس تربیتی یا مواد درسی مؤثر در پرورش بیش از بعضی درس‌های آموزشی اهمیت داده می‌شود که این تفکیک غیرمنطقی و نامعقول باعث می‌شود فراگیران بعضی درس‌ها را بر بعضی دیگر ترجیح دهند.

به چند نوع مربی نیاز پیدا می‌شود و هر مربی با گرایش و شخصیت خاص فراگیران را تربیت می‌کند.

به تبعیت تفکیک مواد آموزشی و درسی و جدا شدن مربیان تربیتی و آموزشی، لازم است ساختار تفکیکی برای این دو تشکیلات پیش‌بینی شود که به علت کمبود منابع انسانی و محدودیت‌های کالبدی و مادی هزینه‌های زیادی متوجه سازمان خواهد شد.

بنابراین مربی یا معلم باید هر فراگیر را یک سیستم یا نظام شخصیتی در نظر بگیرد؛ یعنی با دیدی سیستمی به او بنگرد و او را واحد غیرقابل تفکیک بداند و به این اصل مهم تربیتی توجه داشته باشد که «هر گفتار و کردار معلم در کل وجود دانش‌آموز تأثیر می‌کند نه در جسم یا روان او» به بیان دیگر، معلم موظف است از هرگونه دید اتمی (تجزیه فرد به دو عنصر روح و جسم) خودداری کند.

گاهی در زبان انگلیسی به دو اصطلاح Education و Training بر می‌خوریم که معمولاً اولی را «تربیت» یا «آموزش و پرورش» و دومی را «کارورزی، تمرین یا کارآموزی» و گاهی «آموزش خاص» یا «یادگیری خاص» ترجمه می‌کنند. به عقیده بیشتر متخصصان، بین آن دو، خط روشن و مشخصی وجود ندارد و نمی‌توان آن دو را کاملاً از یکدیگر جدا انگاشت. بعضی از متخصصان میان آن دو فرقی‌هایی گذاشته‌اند و گفته‌اند: اصطلاح Education (تربیت) بیشتر به کسب معرفت توجه دارد، در صورتی که Training (یادگیری و آموزش خاص یا کارآموزی) به کاربرد معرفت اطلاق می‌شود. همچنین می‌توان گفت که کارآموزی در ابتدا یک فرآیند یا عمل تعدیل‌کننده است که ضمن آن یک رفتار خاص در جهت‌های مطلوب تغییر می‌یابد. به عبارت دیگر کارآموزی یا یادگیری و آموزش خاص، فرآیندی است که یک رشته فنون را برای تعدیل گرایش‌ها و معارف، به کار می‌گیرد یا رفتار مهارتی خاصی را برای انجام دادن کار خاصی به کار می‌برد (شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۷۵).

رویکردهای گوناگون در مفهوم آموزش و پرورش

در صفحات پیشین گفته شد که آموزش و پرورش معادل فارسی تعلیم و تربیت است و مراد ما از آموزش و پرورش همان تعلیم و تربیت است؛ ولی در دیدگاه صاحب نظران علمی و مدیران اجرایی در مفهوم آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت اختلاف نظرهای گوناگونی وجود دارد و هرکسی از ظنّ خود و گمانه‌زنی‌های شخصی و سلیقه‌ای، رابطه بین آموزش و پرورش را با معانی و مفاهیم متفاوتی تفسیر و تأویل می‌کند.

عده‌ای آموزش را مقدمه پرورش و برخی نیز آن را ابزار و وسایلی برای پرورش می‌دانند. برخی پرورش را محصول آموزش می‌دانند و در مقابل، دسته‌ای آموزش را در عرض پرورش و موازی یکدیگر معرفی می‌کنند. عده‌ای نیز آموزش را انتقال دانش، و پرورش را انتقال ارزش می‌دانند. گروهی هم بر این عقیده پا می‌فشارند که آموزش محدود به علوم تجربی و ذهنی است؛ ولی پرورش محدود به ارزش‌های دینی و اخلاقی است. اگر به همین ترتیب انواع رابطه‌های آموزش و پرورش را مورد بحث قرار دهیم، به ده‌ها برداشت و دیدگاه متفاوت درباره این مفهوم خواهیم رسید. به طور کلی اگر بخواهیم دیدگاه‌های تعلیم و تربیت و رویکردهای آن را دسته بندی کنیم، می‌توان این گونه تقسیم بندی کرد:

الف. رویکردهای موازی

برخی بر این باورند که بین آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت، تفاوت اصولی مطرح است؛ زیرا هریک دارای ماهیت خاصی است و بدین جهت ساز و کارهای آنها از یکدیگر متفاوت است و در عرض یکدیگر قرار دارند. مدعیان این رویکرد نتیجه می‌گیرند که چون هدف‌های پرورش با آموزش تفاوت دارد و هریک مسیر خاصی را تعقیب می‌کنند، ساختار سازمانی، مواد و محتوای برنامه درسی این دو از هم فاصله دارد و هیچ گونه تعاملی بین آموزش و پرورش نیست؛ زیرا منظور از آموزش، انتقال مفاهیم است و بین آموزش و پرورش مرز مشخص قرار دارد و پرورش با جنبه‌های معنوی و روحی مرتبط است.

بنابراین مطابق این رویکرد، در هر نظام آموزشی، باید واحد پرورش به موازات واحدهای آموزشی تشکیل شود تا از این طریق جایگاه رسمی فعالیت‌های تربیتی به صورت فرآیند در قالب برنامه‌ریزی درسی تعیین شود.

شکل ذیل نشانگر این رویکرد موازی است.

۱۱۳

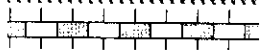
سال چهارم - شماره ۱۳

ب. رویکرد طولی

آموزشی



پرورشی



بر خلاف عقیده

رویکرد موازی، در این دیدگاه بین آموزش و پرورش، یک رابطه طولی برقرار است؛ زیرا به نظر اینان آموزش مقدمه پرورش و تربیت غایت و نهایت آموزش است. زمانی پرورش یا تربیت محقق خواهد شد که ابتدا بر فرایند آموزش توجه شود و پس از آن که جریان آموزش به مرحله ثمردهی رسید، به موضوع پرورشی در آن سازمان توجه گردد. البته مخالفان این عقیده بر این باورند که با توجه به غفلت و نقص نظام‌های آموزشی در تربیت انسان‌های شایسته و کارآمد، لازم است ابتدا به موضوعات پرورشی و تربیتی توجه شود و پس از آن فرد در زمینه خاص، آموزش لازم را کسب نماید.

به طور کلی در این دیدگاه، بین آموزش و پرورش یک رابطه طولی برقرار است و آموزش و پرورش در طول یکدیگر قرار دارند.

آموزشی

پرورشی

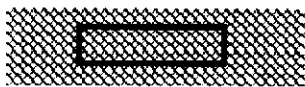


ج. رویکرد تلفیقی

در این رویکرد بر این موضوع پافشاری می‌شود که انسان یک موجود واحد است که مرکب از ماده و معنا و روح و جسم است و باید به همه ابعاد وجودی آن یک جا توجه داشت. بنابراین مفهوم آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت در این دیدگاه به معنای رشد همه جانبه شخصیت فراگیران است. ساختار نظام آموزشی، برنامه‌های درسی و تقویم آموزشی در این رویکرد از هم جدا نیست و مرتباً علاوه بر انتقال دانش و تعلیم فراگیران باید به موضوعات تربیتی توجه داشته باشد؛ لذا بین مربیان تربیتی و مدرّسان آموزشی، مرزبندی وجود ندارد.

بنابراین در این رویکرد، بین تعلیم و تربیت با آموزش و پرورش در هم تنیدگی و پیوستگی ذاتی وجود دارد. همان طوری که طعم شیرینی در ذات قند است، بین آموزش و پرورش یک پیوستگی خاصی مشاهده می‌شود و این دو همانند تار و پود به هم متصل می‌باشند (کریمی، عبدالعظیم، ۱۳۷۹) در این رویکرد، آموزش به فرایندی اطلاق می‌شود که ناظر بر پرورش جنبه‌های عقیدتی، اخلاقی، اجتماعی و جسمانی است. در این تعریف پرورش در متن آموزش قرار دارد و به منزله تار و پود یک مفهوم واحد تلقی می‌شود؛ به گونه‌ای که هیچ آموزشی بدون پرورش و هیچ پرورشی بدون آموزش محقق نمی‌یابد. بنابراین اگر این گونه به فرایند آموزشی و پرورشی بنگریم، مرزهای ساختگی و دیوارهای قراردادی بین آموزش و پرورش فرو می‌ریزد و از این دو واژه به ظاهر متفاوت معنای واحدی را حاصل می‌شود.

شکل ذیل رویکرد تلفیق به آموزش و پرورش را نشان می‌دهد:



نتیجه‌گیری

به تعلیم و تربیت با رویکردهای گوناگون نگرسته می‌شود. برخی تعلیم و تربیت را در موازات یکدیگر می‌دانند و بر این باورند که پرورش به موازات آموزش است؛ لذا باید دارای سازکار اجرایی و ساختار سازمانی باشد تا اهداف پرورشی در هر سازمان محقق شود. در مقابل، برخی دیگر اعتقاد دارند که بین آموزش و پرورش، یک رابطه طولی برقرار است که این گروه خود دو دسته‌اند: عده‌ای از آنها آموزش را مقدم بر پرورش می‌دانند و معتقدند تا بستر لازم برای آموزش فراهم نشود، نمی‌توان کار پرورشی انجام داد. و دسته دیگر در این رویکرد، پرورش را مقدم بر آموزش می‌دانند و این تقدّم نه از بعد رتبه‌ای، بلکه از جنبه زمانی مورد نظر آنها است. در مقابل این دو دیدگاه، نگاه دیگری به موضوع تعلیم و تربیت مطرح است که پرورش را در ذات آموزش می‌داند و بین پرورش و آموزش جدایی و مرزی قابل نمی‌گردد. در واقع بین همه اجزای سازمان، برنامه‌ها و اهداف آموزش و پرورش اتحاد وجود دارد و برنامه‌های آموزشی با کار پرورشی عجین شده است. در این دیدگاه هدف از آموزش رشد همه جانبه شخصیت فراگیران است.

آنچه که در این مجموعه مورد توجه قرار گرفت، شناخت مبانی نظری، مفاهیم تعلیم و تربیت و رابطه این دو با همدیگر است. ولی موضوع این مهم این است که با توجه به ضعف نظام‌های آموزشی در تحقق برنامه‌های پرورشی، توجه به موضوعات تربیتی یک دغدغه جدی و اساسی و اهتمام به آن یک ضرورت همه جانبه و فراگیر است. به ویژه سازمانی که غایت برنامه‌های آن تولید انسان‌های مهدّب و پرورش نیروهای با ارزش است. از این رو، لازم است در تمامی ارکان و عناصر نظام آموزشی سپاه نیز جنبه‌های پرورشی مورد اهتمام قرار گیرد و به جای تدوین یک نظام تربیتی در کنار نظام‌های آموزشی برای کادر رسمی، سرباز و بسیج، تحلیل درستی از وضعیت تربیتی سپاه صورت گیرد و با تدوین منشور تربیتی، اهداف و برنامه‌های تربیتی در کلیه ساختار و نظام‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد.

از این رو فرایند ذیل برای تدوین منشور تربیتی در سپاه پیشنهاد می‌شود:

۱. تعریف علمی و شفاف نظام آموزشی سپاه متناسب با فرهنگ دینی و ارزشی؛
۲. تحلیل وضعیت تربیتی سپاه و بسیج با مطالعه راهبردی و کاربردی؛
۳. تعیین چشم‌انداز تربیتی در سپاه و بسیج بر اساس مبانی دینی و نیازهای جامعه؛
۴. تدوین رسالت و مأموریت تربیتی در سپاه و بسیج؛
۵. تدوین راهبردهای تربیتی در سپاه، با توجه به نوع عضویت (پایوران، سربازان، بسیج)؛

۶. تهیه و تدوین منشور تربیتی سپاه:

۷. اعمال منشور تربیتی سپاه در همه عرصه‌های نظام آموزشی با «رویکرد تلفیقی به

آموزش و پرورش»:

۸. ایجاد سازوکار لازم برای اثربخشی برنامه‌های تربیتی در سپاه بر اساس منشور تربیتی.

منابع و مآخذ

۱. کلام‌الله مجید.
۲. نهج البلاغه.
۳. بندر ریگی، محمد المنجد الطلاب، چاپ اول، انتشارات حر، ۱۳۷۸.
۴. تقی پور، ظهور علی، اصول و مبانی آموزش و پرورش، تهران، انتشارات پیام نور، ۱۳۶۹.
۵. سعدی، مصلح الدین، کلیات، تصحیح و توضیح بهاء الدین خرمشاهی، تهران، چاپ اول، انتشارات ناهید، ۱۳۷۵.
۶. سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۰.
۷. شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹.
۸. شعاری نژاد، علی اکبر، مبانی روانشناختی تربیت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۵.
۹. شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دهم، ۱۳۷۷.
۱۰. غزالی، ابو حامد امام محمد، کیمیای سعادت، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۱۱. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سی و پنجم، ۱۳۷۸.
۱۲. هوشیار، محمد باقر، اصول آموزش و پرورش، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۱.
۱۳. کریمی، عبدالعظیم، تعلیم و تربیت به کجا می‌رود؟ تهران، انتشارات تربیت، ۱۳۷۹.

پی نوشتها:

۱. کلیات سعدی، غزل ۴۳۱، بیت ۲.

۲. گلستان، باب اول، حکایت چهارم.

۳. المیزان، ج ۱۹، ص ۲۶۵.

۴. بقره، ۱۵۱؛ آل عمران، ۱۶۴؛ جمعه، ۵.

۵. بقره، ۱۲۹.

۶. تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۷، ص ۱۵.